

# دری که گویا بر همان پاشنه همیشگی می‌چرخد

## چهارمین گزینه دولت سیزدهم برای وزارت آموزش و پرورش

### محمد داوری

ابراهیم ریسی در پایان دومین سال دولتش چهارمین گزینه مورد نظرش را برای تصدی وزارت آموزش و پرورش به مجلس معرفی کرده است، ایشان در آغاز به کار دولتش دو گزینه معرفی کرد که مجلس اصولگرای همسو با ایشان به هیچ کدام از آنها رای اعتماد نداد و گزینه سوم ایشان یعنی یوسف نوری هم که رای اعتماد گرفت آنقدر ناکارآمد بود که عمر وزارتش از میانگین عمر همه وزرای بعد از انقلاب کمتر بود و موجب بی‌ثباتی در بزرگ‌ترین و مهم‌ترین وزارتخانه‌ای شد که با سرنوشت 15 میلیون کودک و نوجوان و دغدغه 30 میلیون مادر و پدری که چشم به مدارس و کلاس درس و زمزمه‌های محبت و مشق دانایی و توانایی دوخته‌اند بازی کرد و یکی از بی‌ثبات‌ترین سال‌های تحصیلی را رقم زد. حالا درحالی که يك سال تحصیلی پرالتهاب که انتظار میرفت بعد از دو سال و اندی سلطه کرونا، مدارس ثباتی نسبی پیدا کنند، متأسفانه دوباره با تغییر مدیریت ارشد راس هرم این دستگاه بیش از گذشته بی‌ثباتی نگرانی‌ها را ترویج داده و دانش‌آموزان و فرهنگیان و والدین نمی‌دانند سال تحصیلی آینده چگونه سالی خواهد بود و این نگرانی‌ها متأسفانه اعتبار مدرسه و کلاس و معلم را دچار خدشه کرده است و نظام آموزشی ناکارآمد و فرسوده را بیش از همیشه ناکارآمدتر نموده است. گویا دولت ابراهیم ریسی نمی‌خواهد صدای دانش‌آموزان و فرهنگیان را بشنود، در رویکرد این دولت در حوزه آموزش و پرورش بر همان پاشنه قبلی می‌چرخد، چراکه رضا مراد صحرایی همان ویژگی‌های گزینه‌های اول و دومی را دارد که هم با مخالفت شدید بدنه فرهنگیان و هم با رای عدم اعتماد مجلس مواجه شد نگاه پررنگ ایدئولوژیک و سیاسی ایشان بزرگ‌ترین عاملی است که مانع موفقیت او در وزارتخانه‌ای متشکل از دانش‌آموزان و فرهنگیان پویا با نگرش‌های

تحولخواهانه و مطالبات مدني خواهد شد. مگر براي موفقيت يك مدير ارشد استقبال افكار عمومي و سازماني دستگاہ مربوطه مهم نيست؟! پس چرا آقاي رييسي در معرفي گزينه‌ها به اين فاکتور مهم توجهي نمي‌کند؟! چرا براي معرفي گزينه مورد نظرش يك نظرسنجي از بدنه فرهنگيان يا حداقل از بدنه حوزه ستادي و کارشناسي انجام نمي‌دهد؟!

متأسفانه به نظر مي‌رسد يا اراده‌اي براي حل مسائل آموزش و پرورش در مجموعه حاکميت وجود ندارد يا حاکمان همچنان برداشت نادرستي از مجموعه دستگاہ آموزش و پرورش دارند يا اينکه اين حوزه براي‌شان اولويت ندارد و سرمايه‌گذاري و تمرکز در اين حوزه را با منافع جرياني خود همسو نمي‌دانند، که در هر صورت جاي تأسف دارد و آنچه قرباني اين بي‌توجهي‌ها و اولويت ندادن‌ها و بي‌تدبيری‌ها و بي‌ثباتي‌ها است، سرنوشت نسل فردا است که 12 سال عمر خود را بايد در نظامي سپري کنند که تضميني براي فردي آنها نمي‌تواند بدهد.

اميد است مجلس حالا که سال تحصيلي جاري رو به پايان است صدای مطالبه‌گران فرهنگيان و دانش‌آموزان و والدين را بشنود و به صحرايي راي اعتماد ندهد و دولت را مجبور کند تا فردي توانمند و مورد اقبال بدنه اين مجموعه را معرفي کند تا از فرصت تابستان براي برنامه‌ريزي براي سال تحصيلي آينده استفاده شود.

منبع: روزنامه اعتماد 3 خرداد 1402 خورشیدی